جعفر عبدالرحیمی
قاضی محاکم استیناف

نظراتی دربارهٔ تناقضات وابهامات قوانین ورفع آن

چون دراویل ورود بخدمت قضائی در تطبیق اقدامات خود باقوانین موجود دچار شك و تردید میشد و این امر ناشی از تناقضات و ابهامات قوانین بود درصدد برآمد که درتنظیم وتهیه قوانین مطالعات دقیق کرده تعارضات وابهامات قوانین موجود را که غالباً موجب بطوء جریان دادرسی وعلت تردید وتأخیر قضات در اخذ تصمیم بوده واصحاب‌دعوی وو کلاء را درتطبیق مواد مزبور باموضوعات مختلف‌مواجه بامشکلات زیادی نموده‌بالنتیجه موجبات رکودکار وتضییع حقوق وشکایات اصحاب دعوی را از دادگستری فراهم ساخته است یادداشت ودررفع آن اقدام وتحت عنوان‌اصلاح دادگستری وتناقضات قوانین وطریقه اصلاح آن دریکی ازجراید یا کتابی منتشر نماید لذا ازپانزده سال قبل تاکنون بمطالعهٔ مکرر قوانین ومجموعهٔ‌آراء دیوانعالی کشور پرداخته وموارديرا که احتیاج باصلاح وتغییر داشته واشکالاتی که خود یاهمکاران محترم درعمل بآن برخورد کرده در دفتری گردآورده بااقتباس‌ازعبارات خود قانون بارعایت‌اصول دادرسی که درقوانین جاریه اکثر کشورهامنظور شده بدون‌اینکه بی‌جهت جملهٔ تازه وارد قانون‌نماید که محل‌تعبیرات‌وتفسیرات گوناگون واقع شود بصورتی تدوین کرده است که هرشخص مبتدی درقضاوت نیزبامطالعهٔ آن‌میتواند مطالب خودرا درفصل مخصوصی کلاً مطالعه وازاحکام مورد نظر آگاه شود بخلاف وضع فعلی که درمورد یك موضوع درچندین محل زیر عناوین مختلف احکامی وارد شده که صرفنظر ازبیمورد بودن تعرض بآن درمحل مزبور وتفرق آنها معارض احکام قبلی نیزبوده

وحل تعارض هریك از آنها احتیاج به‌حافظه بسیارقوی ومطالعات زیاد وتوجه باصول کلی دارد که درحیطهٔ ذهن هر کسی نمیباشد گرچه در اینمدت اصلاحات زیادی درقوانین‌بعمل آمده است ولی کمتر به‌نکات مزبور توجه شده وبعلت اینکه درتنظیم وتهیه‌مواد اصلاحی‌و انشاء وتصویب قوانین جدید مقررات وموارد دیگر قوانین مربوط بموضوع منظورومراعات نگردیده معضلات‌دیگری برمشکلات قبلی‌افزوده شده‌است چون اخیراً نیزاصلاح‌مقررات وقوانین دادگستری مطرح بوده وکانون وکلاء آذربایجان نیز مشوق انتشار یادداشتهای مزبوربود فرصت‌را مغتنم شمرده بتدریج یادداشتهای مزبورراردرمجله‌کانون وکلاءآذربایجان منتشر مینماید یقین دارد که مورد توجه قضات و وکلاء دادگستری واصحاب دعوی واقع شده ودرصورت تصویب پیشنهادات مزبورازطرف مجلسین درپیشرفت کار دادگستری وراحت فکر قضات بی‌نهایت مؤثر خواهد افتاد و کارهای مختومه دادگستری باهمین کادر وعدهٔ قضات حداقل‌بدوبرابر میزان فعلی خواهدرسید قوانینی که تصحیح شدموآمادهاست کلیات قانون مجازات عمومی‌وقوانین آئین دادرسی مدنی و کیفری و اجرای احکام حقوقی و امور حسبی وامور ورشکستگی میباشد که اینك قسمتی ازمواد آئین دادرسی کیفری و کلیات قانون مجازات عمومی را مورد مطالعه قرارمیدهیم بمنظور اختصار از ذکرعین‌موادوتشریح علل واسبابی که موجب تغییر مواد یاجملات آن است صرفنظر کرده فقط بشماره مواد و بقیدجملات یا کلماتی که باید تغییریابد وذکر کلمات یاجملاتی که باید جای آنرا بگیرد اکتفا مینمائیم بدیهی است علاقمندان برای پی‌بردن بلزوم اصلاح وعلل تغییر موادمزبور ونکات ملحوظه درهریك‌ازمواد هنگام مطالعه مطالب مندرج دراین مقاله بایدموادمربوطه را بدقت موردتوجه قرارداده وبااصلاحات‌موردنظرمقایسه وتطبیق‌فرمایند اکثراً علل‌موجب تغییر ضمن اصلاح بیان میشود.

ازقانون مجازات عمومی

ماده ۷- جرم- بسه نوع تقسیم میشود ۱- جنایت ۲- جنحه ۳- خلاف یاتقصیر تقسیم جنحه بمهم و کوچك هیچگونه اثری نداشته درمورد تعدد وتکرار موجب اشکال‌و نظرات مختلف است اگر گفته شود این تقسیم برای تعیین صلاحیت محاکم است چنین نبوده بلکه باتوجه باینکه حبس تادو ماه که درصلاحیت دادگاه بخش یاخلاف قرارداده شده شامل جنحه مهم و کوچك است.

ماده ۹ مهم حذف شود ۲ـ حبس تأدیبی بیش‌از دو ماه ۲ـ غرامت در صورتیکه مجازات اصلی بوده وبیش از دوهزار ریال باشد.

ماده ۱۰و۱۱ جمع وبکجا قید شده یکماه‌بدوماه تبدیل وغرامت تادوهزار ریال باشد باین عبارت مجازات خلاف یانقصیر بقرار ذیل‌است:

حبس تأدیبی یاتکدیری از دوروز تادوماه ۲ غرامت تادوهزار ریال.

ماده ۱۹ بامواد ۸ و ۹ درست درنمیآید زیرا خود محرومیت از حقوق اجتماعی کیفر جنایت تعیین شده است ودر ماده ۱۹ کیفر تکمیلی یاتبعی گفته شده اگرتبعی‌است پس‌از اصل مجازات نبوده وباید گفت ازآثار مجازات جنائی است واگر تکمیلی‌است‌باید علاوه برمجازات اصلی درحکم دادگاه قید شود درمادهٔ ۱۹ باید اول تبصرهٔ آن قید شود که تعریف است بعداقسام جزاها باین عبارت جزاهای تبعی جزاهائی است که بحکم قانون بدون اینکه در حکم محکمه قید شده باشد دربارهٔ مجرم اجرا میگردد ولی جزاهای تکمیلی جزاهائی است که محکمه میتواند ضمن کیفر اصلی برای‌تکمیل مجازات مجرم درحکم‌قید نماید . فقرهٔ ب ماده ۱۹ باید یك مادهٔ مستقل باشداصلاح‌شود زیرااقامت‌درنقطهٔ‌معین‌یاممنوعیت‌بیش‌ازسه‌سال‌نمیتواندباشددرسال‌مخالف مادهٔ ۱۶ خواهدبود درقسمت ح مادهٔ ۱۹ نیزه سال مخالف ماده ۱۶ است چه‌اقامت درنقطهٔ معین بیش‌ازسه‌سال تبعید محسوب و مجازات جنائی است که در جنحه حکم بمجازات جنائی مخالف عقل و قانون است بعلاوه دربندح یکماه بدوماه تبدیل‌وجمله هر گاه مدت حبس تأدیبی تایکماه باشد مدت محرومیت دوسال خواهد بود حذف شود زیرا بااصلاحات بعدی قانون منطبق نبوده ومغایراست . بند د مادهٔ ۱۹ باید یکمادهٔ مستقل باشد چون‌ارتباطی بموضوع وآثار تبعی حکم ندارد وحکم صادر نشده تاآثار تبعی او محسوب شود آثار کیفرخواست است و جملات آن باید اصلاح شود.

ماده ۲۰ درقسمت تعیین حداقل حبس دائم یادر مواردیکه مجازات فاعل مستقل بدون حداقل وحداکثراست ناقص بوده وبایدبصراحت تعیین گردد درمادهٔ ۲۷ توضیح‌بیشتر داده خواهد شد.

ماده ۲٤ بجای لازم‌الاجرا قطعی بهتر است قید شود وآیا وقتی که حکم سابق اجرا نشده باشد تاریخ اتمام مدت مجازات چه خواهد بود؟ باید اصلاح شود باینکه در ظرف دهسال از تاریخ قابل اجرا شدن حکم مزبوربعلاوه مدت حبسی که درحکم قیدشده مجدداً...اگرزمان‌ارتکاب جرم‌جدیددرزمان اجرای مجازات باشد یاقبل‌ازاجرای مجازات

شخص مرتکب جرم جدیدشود چرا نباید مجازات تعدداجرانشود تابااین‌موضوع‌توجه گردد

مادهٔ ۲۵ .. جنائی یاجنحه داشته باشد یکدرجه تشدید میشود مقصود چیست‌اگر حبش تأدیبی یکدرجه یا دو درجه تشدید شود چه‌میشود آیا محرومیت ازحقوق اجتماعی شدت درجه حبس تأدیبی‌است‌یاتبعید دودرجهٔ شدت حبس تأدیبی‌میباشد؟ بهتراست تبعید و محرومیت ازحقوق اجتماعی همانطوریکه گفته شد از ماده ۸ حذف گردد تاتشدید درجه حبس تأدیبی به‌حبس مجرد برسد و . در قسمت آخر مادهٔ ۲۵ نیز ده سال توقف اجباری مخالف ماده ۱۶ است زیرا حداکثر توقف اجباری سه سال بوده تبعید دهسال خواهد بود باید اصلاح شود ومدت توقف بنظر محکمه‌باشد یاتوقف اجباری به‌تبعید مبدل شودوتبعید جزو جزاهای تکمیلی قید گردد نه‌اصلی زیرا بااین ماده جزای تکمیلی است که در حکم قید میشود واضافه شود هر گاه مجازات متهم بجنحه موافق قانون درموارد تکرار مجازات جنائی باشد در محکمه جنحه رسیدگی خواهدشد نه‌درمحکمه جنائی، دربند٤ اضافه شود که تصحیح‌حکم نیزموافق قانون قابل شکایت‌استیناقی وتمیزاست ـ درمادهٔ ۲٤ باید جرائم اختصاصی‌را هم قید ونسبت بآن تعیین تکلیف کرد.

ماده ۲۷ معلوم نیست حد اقل مجازات فاعل درقتل عمد چقدر است مجازات اعدام حد اقل ندارد مقصود صراحتاً تعیین شود اضافه شود درمواردی کـه مجازات فاعل مستقل اعدام یا حبس دائم بوده باشد مجازات شریك در مورد اعـدام حبس دائم و در مورد حبس دائم حبس موقت با اعمال شاقه یا حبس مجرد از سه تا دهسال خواهد بود و درموارد دیگریکه مجازات فاعل‌مستقل بدون حد اقل و اکثر است شریك بنصف‌مجازات فاعل مستقل محکوم میشود .

ماده ۲۸ . . . . محسوب و بهمان مجازاتی که برای شریك جرم مقرر است محکوم خواهند شد محکمه میتواند نظر بکیفیت معاونت و همچنین درصورتیکه مطابق قانون اوضاع و احوال قضیه مقتضی تخفیف باشد مجازات معاون را از یك الی دو درجه تخفیف دهد بااین اصلاح اشکال اینکه بعد ازاین‌تخفیف محکمه باز میتواند رعایت ماده ٤٤ یا ٤٥ را بنماید ازبین میرود و دو ماده جمع میشود .

ماده ۳٤ — درصورتیکه اطفال غیر ممیز مرتکب جنحه یا جنایت شوند اولیاء آنها (پدر یا جد پدری یا وصی یا قیم) به‌ترتیبی که ملزم بتادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق اطفال هستند بحبس تادیبی مثلا تا دو ماه محکوم خواهند شد چه باید اذعان نمود که مراقبت اطفال بیشتر ازحیوانات برای اولیاء آنان و اشخاص لازم بوده و

باتوجه باینکه اگر اشخاص حیوانات را محافظت نکنند و آزاد گذارند و جراحتی باشخاص وارد سازند عمل آنان مجازات دارد آزاد گذارنده اطفال نیز باید درصورت وقوع جرم قابل مجازات بوده باشند ماده بشکل فعلی ایجاد اشکال مینمایدچه صراحتاً معین نشده آیا تسلیم بامحکمه است یا ضابطین دادگستری؟ قبل ازاثبات وقوع جرم است یابعد ازاثبات؟ و اگر بهولی دسترسی نبود محکمه یا دادسرا طفل را تا تسلیم بهولی در کجا نگهداری خواهند نمود . اگر ولی ملتزم بتادیب نشد تکلیف چه بوده و اگر ملتزم شد و مجدداً طفل مرتکب جرم گردید نتیجه الزام چه خواهد بود؟ بنظر میرسد درمواد خلافی اشاره باین عمل شده باشد ولی کافی نبوده واحتیاج باصلاح ماده مزبور دارد.

ماده ۳۵ — . . هرگاه مرتکب خلاف شوند از یك تا ده ضربه شلاق محکوم خواهندشد آیا حکم شلاق قابل استیناف است یاخیر؟ بعلاوه صغیر حق استیناف یاتقاضای تعیین وکیل تسخیری را دارد یاولی او، معین گردد. اگر گفته شود درمورد خلاف مجازات صحیح نیست دادن گواهینامه دوچرخه سواری بهطفل ۱۳ ساله برای چه منظور میباشد.

ماده۳۶— . . هرگاه مرتکب خلاف شوند بنصف مجازات مقرر برای اشخاصیکه بیش از ۱۸ سال تمام دارند محکوم میشوند — اشخاص مزبور درمورد اینکه آیا بمجازات های نقدی و جریمه محکوم میشوند یا نه مثلا درمورد عبور از مرز که مجازات فقط جریمه نقدی است باتوجه باینکه اطفال کمتر از ۱۵ سال بمجازات شلاق محکوم میشوند صراحتاً تعیین تکلیف گردد .

ماده ۳۷ باین عبارت اصلاح شود اشخاص مذکور درمواد ۳٤ و ۳۵ و ۳٦ هرگاه مرتکب جنحه یا جنایت شوند درمحکمه جنحه . . . زیرا (جرم) خلاف را هم شامل است درصورتیکه بخلاف درمحکمه جنحه رسیدگی نمیشود و ثانیا خودموضوع محکومیت اطفال درامور خلافی قابل بحث وتأمل است این ماده فقط شامل اشخاص ۱۵ساله تا ۱۸ ساله است درصورتیکه اطفال ۵ ساله ۱۲ ساله و۱٤ ساله و۱۵ ساله را هم بایدشامل شود چه آنها هم ممکن است معاون جرم داشته باشند وتکلیف معاونین آنها روشن نیست که در محکمه جنائی محاکمه میشوند یامحکمهٔ دیگر.

مادهٔ ۳۸... باطفال واشخاصیکه قبل ازرسیدن بهیجده سال تمام مرتکب جرم شده اند جاری نمیشود زیرا «اشخاص مذکوردرمادهٔ فوق» شامل معاون وشریکی که بیش از ۱۸ سال دارد هم هست درصورتیکه عقلاً احکام تکرار نسبت بآنها باید رعایت گردد.

مادهٔ ٤۱ رجوع بفصل اول حذف گردد زیرا آنجا تعیین تکلیف گردیده تکرار

مورد ندارد و بهتر است به‌تشخیص خود قاضی در کلیه موارد وجرائم باشد درسرقت وغیره که برای حفظ نفس باشد مجازات نشود زیرا بخاطردارم فقیری‌حلب کهنه‌ای سرقت کرده به‌هشت ریال فروخته بود چون سابقه وتکرارداشت وراهی برای تبرئه نبود به ٦ ماه‌حبس محکوم گردید که بهیچوجه باعدل وانصاف منطبق نیست.

مادهٔ ٤٢.. جرم محسوب نمیشود حذف گردد زیرا در جرم بودن جرم نمیتوان شك نمود ولی باید گفت مجازات عمل را آمر باید به‌بیند نه‌مأمور وماده اصلاح شود باین عبارت هر گاه مرتکب ثابت نماید که ارتکاب جرم بواسطهٔ امر یکی‌از رؤسا « که‌صلاحیت تحکم باو را داشته» وآمر قانونی واقع شده ومرتکب برحسب قانون‌مجبور باطاعت امر او بوده است در اینصورت مأمور ازمجازات معاف ومجازات جرم درحق آمر مجری‌خواهدشد اعمالی که مستخدمین ومأمورین دولتی مرتکب میشونددرمواردی که‌آن اعمال درحین‌وقوع برای اجرای قانون لازم بوده باشدجرم محسوب‌نمیگردد والا ماده ٤٢ مخالف مادهٔ ١٣٣ ومادهٔ ٨٤ واصول کلی خواهد بود.

مادهٔ ٤٣... فقط در موارد ذیل محکمه میتواند مجازات مجرم را تخفیف دهد ١ هر گاه در غیرازمواردی که در ماده ٢٧٧ مذکور است مدعی خصوصی متهم را عفو یا شکایت خودرا مستردنماید٢ هر گاه‌اموال واشیائی که‌ازجرم تحصیل‌شده ازحیث‌قیمت کمتر ازپنجهزار ریال باشد ٣ هر گاه عین یاقیمت اموالی که‌ازجرم تحصیل‌شده بصاحبش مسترد شود ٤ هر گاه ارتکاب جرم برای جلوگیری ازجرم دیگر نسبت باموال باشد (ماده١٩٠) مجازات ٥ هر گاه ارتکاب جرم برحسب قرائن معقوله براثر خوف مرتکب از پیشدستی طرف باشد ٦— هر گاه مرتکب بنظر محکمه بیش ازشصت سال داشته یاعمر مرتکب از بیست وپنج‌سال‌تجاوزنکرده‌باشد ٧ هر گاه مرتکب‌ازطایفهٔ اناث باشد . بااین‌اصلاح تخفیف بیمورد محاکم ونظرات ارفاقی بدون علت ازبین میرود.

ماده ٤٦ : ظاهر ماده شامل کسانی است که حکم به حبس ابد یا اعدام آنان صادر شده درموقع اجرا سن آنان به بیش از ٦٠ سال میرسد که حکم اعدام اجرا نشده و به حبس مجرد تبدیل میگردد بعلاوه اشکالات دیگری نیز درعمل ایجاد مینماید که اصلاح ماده مزبوررا ایجاب میکند مثلا درمورد اینکه آیا بعد ازتخفیف قانونی ماده٤٦ میتوان مجازات مرتکب را بارعایت ماده ٤٤ یا ٤٥ مکرر قانون مجازات عمومی‌تخفیف داد یا خیر و آیا در مورد قتل مندرج در ماده ٣ قانون ازدواج که مجازات مرتکب حبس ابد است اگر مرتکب بیش از شصت سال داشته باشد مجازات قانونی او حبس

مجرد میباشد ؟ ومحکمه جنائی سه‌نفری صالح برسیدگی است ؟ یااینکه داشتن سن‌بیش از ۶۰ سال علت مخففه بوده و اصل مجازات حبس ابد میباشد که در اینصورت محکمه جنائی متشکل از پنج نفر دادرس خواهد بود که نظرات مختلف اظهار گردیده‌است برای رفع اشکالات مزبور اصلاح ماده ضروری است.

مادهٔ ٤٧ـ... در موارد تعلیق باید تجدید نظرشود.

مادهٔ٤٨ـ هر گاه محکوم علیه که اجرای حکم اومعلق شده‌است درمدت‌پنجسال از تاریخ قطعی شدن حکم مرتکب جنحه یاجنایت جدیدی نشود محکومیت اولیه‌اوملغی وکان‌لم یکن خواهد شد واگر درمدت پنجسال مذکور مرتکب جنحه یاجنایت جدیدی شود احکام تکرار جرم دربارهٔ او جاری شده وحکم اول نیز دربارهٔ او اجرا خواهد گردید درموقعیکه محکمه اجرای مجازات را تعلیق میکند باید رئیس محکمه مدلول مادهٔ فوق را بمحکوم علیه اطلاع دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی